



روحانی:

هیچ کس نمی تواند به ایران اعتراض کند

گروه سیاست: کمتر از ۲۰ روز از مهلت اروپایی ها باقی مانده تا بتوانند نظر ایران را برای تعهد کامل به برجام جلب کنند؛ ۱۸ تیرماه. در این حال رویتزر خبر داده که سه کشور اروپایی طرف برجام، طرح جدیدی برای حفظ این توافق دارند و به همین منظور وزیران...

صفحه ۱۵

پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۸ • ۱۶ شوال ۱۴۴۰ • ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹



ایران میزبان نشست امنیتی افغانستان

تلاش برای صلح همسایه در چند جبهه

گروه سیاست: دریابان علی شمعانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران که از سه‌شنبه در دهمین اجلاس بین‌المللی نمایندگان عالی امور امنیتی کشورهای جهان در اوافی روسیه حضور دارد، در حاشیه این اجلاس...

صفحه ۱۵

سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۵ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

خطر زمین لرزه به بهانه سالگرد «منجیل»

مهدی زارع



در آستانه سالروز زلزله ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ منجیل و باگرامیداشت یاد و خاطره جان‌باختگان این فاجعه بزرگ، نگاهی کوتاه به وضع آمادگی کشور سه دهه بعد از زلزله منجیل، تأمل‌برانگیز است. زلزله منجیل در ۳۱ خرداد ۶۹ در نیمه‌شب رخ داد؛ ساعت ۳۶ دقیقه بامداد (نیمه‌شب) آخرین شب بهار ۶۹ زلزله‌ای با بزرگای ۷٫۳ تخریب وسیعی در محدوده شهرهای استان گیلان ایجاد کرد. تا آن هنگام سابقه چنین تخریب فاجعه‌باری در کشور ما وجود نداشت. زنده‌یاد مهندس علی‌اکبر معین‌فر، اولین مهندس زلزله ایران که از روز سوم حادثه در منطقه زلزله مشغول مطالعه میدانی شد، در گزارشی که در پنجاهمین روز بعد از حادثه در دانشگاه تهران ارائه کرد، به بی‌سابقه‌بودن خسارت‌های وارده از چنین رخدادی (در مقایسه با زلزله‌هایی که ایشان از ابتدای دهه ۴۰ و در یک بازه زمانی ۳۰ساله در ایران مطالعه کرده بود) اشاره کرد. واقعیت آن است که ۲۹ سال پس از زلزله ۳۱ خرداد ۶۹ نیز زلزله‌ای با آن ابعاد خسارت به‌ویژه به محیط‌های شهری و زیرساخت‌های مهم مانند زلزله منجیل در ایران رخ نداده است. زلزله ۱۳۸۲ بم تنها رخدادی است که در این بازه ۲۹ساله برای ما با حدود ۳۰ هزار کشته فاجعه‌بار شد. از نظر تعداد تلفات زلزله بم، رکوردشکن شد! آن هم در حالی که فقط یک شهر حدود ۹۰هزارنفری ما آسیب دید. استان گیلان بر اساس سرشماری جمعیتی بالغ بر دوونیم میلیون نفر جمعیت داشته است که ۷۵۰ هزار نفر آن در شهرستان رشت و ۶۸۰ هزار نفر در خود شهر رشت زندگی می‌کرده‌اند. جمعیت کنونی سه‌شهری که در زمان زلزله بیشترین خسارت‌ها را تحمل کردند، منجیل ۱۵ هزار نفر، رودبار ۱۰ هزار نفر، لوشان ۱۳ هزار نفر و کل شهرستان رودبار در فاصله ۳۰ساله سال ۱۳۶۵ جمعیت کل شهرستان رودبار حدود ۹۱ هزار نفر بوده است (شامل شهرهای منجیل، رودبار و لوشان و بخش‌های تابعه) که ۶۱ هزار نفر از آنها در روستاها (و حدود ۳۰ هزار نفر در سه شهر اصلی (داشده) زندگی می‌کردند. این نشان می‌دهد که جمعیت شهرستان رودبار در فاصله ۳۰ساله سال ۶۵ تا ۹۵ حدود ۳۴ درصد کمتر شده است. بیشتر این جمعیت به مرکز استان یا مرکز کشور و سایر مراکز جمعیتی اصلی مهاجرت کرده‌اند. این وضع که در زمین‌لرزه با بزرگای ۷٫۳ منجیل، تلفات رسماً ثبت‌شده (شانسانامه باطل‌شده) حدود ۱۵هزارو ۸۰۰ نفر بوده است. حدود هزار نفر از این تلفات به منطقه عمدتاً روستاتنشین طارم علیای زنجان مربوط بوده است. بنابراین در پهنه رومرکزی و شهرستانی با ۹۱ هزار نفر جمعیت، حدود ۱۷ درصد کشته شدند. درصد کشته‌های کمتر از ۲۰ درصد از کل جمعیت محدوده رومرکزی در زلزله منجیل به پراکندگی جمعیت و درصد بالای جمعیت روستایی (حدود ۶۰ درصد در شهرستان رودبار و حدود ۸۸ درصد در شهرستان طارم) مربوط بوده است. درحالی‌که تراکم جمعیت در یک نقطه در زلزله بم (حدود ۹۰ هزار نفر) در سال ۱۳۸۲ موجب کشته‌شدن حدود ۳۰ درصد از مردم شد. زرفای کانون زلزله منجیل ۱۳۶۹، با بزرگای ۷٫۳، حدود ۱۸ کیلومتر و در زلزله بم با بزرگای ۶٫۵ حدود هشت کیلومتر بوده است. مسئله‌ای که ما در سه دهه اخیر به‌تدریج بیش از قبل به آن دچار شده‌ایم، تمرکز بسیار ناپایدار جمعیت در مرکز کشور و در مراکز استان‌هاست.

ادامه در صفحه ۴

بیانیه گروه ویژه اقدام مالی درباره ایران جمعه صادر خواهد شد

FATF از دقیقه ۹۰ گذشت

صفحه ۲



علی شریعتی از واقعیت تا انتظار

شریعتی بعد از ۴۲ سال

صفحه‌های ۲ و آخر

عرض‌حال

دوگانه مقابله با فشار حداکثری آمریکا

درخواست غرامت‌های سنگین از ژاپن، راه را برای تجزیه این کشور هموار کنند. آمریکا با خروج پیمان شکنانه از برجام و وضع و اعمال تحریم‌های وحشی (تحریم‌های غیرقانونی و یک‌جانبه) و ایجاد شرایط انسداد سخت‌ترین فشارهای تحریمی است، طاق شود و دست به اقدامی نظامی بزند؛ همان کاری که ژاپنی‌ها بعد از تحمل ۱۶ ماه تحریم توسط آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم مرتکب شدند و پرل هاربر را به خاک‌وخون کشیدند. مطالب پیش‌گفته حکایت از این می‌کند که بر خلاف گفته بعضی مفسران و تحلیلگران مبنی بر اینکه توپ در زمین ایران است و بنابراین این ایران است که باید دعوت آمریکا به مذاکره را لیبیک گوید، نه تویی در زمین ایران است و نه اصولاً آمریکا روزه‌های حتی کوچک برای مذاکره روی ایران باز گذاشته است. ازاین‌رو اگر بگوییم توپ در زمین آمریکاست، سخن به لغو نگفته‌ایم. به شهادت تاریخ آنها که در شرایط نابرابر به مذاکره با آمریکا روی آورده‌اند، تا به تسلیم کامل تن نداده‌اند، آن کشور دست‌بردار نبوده است. امپراتور ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم چکمه فرمانده آمریکایی را بوسید و تسلیم شد. توجیه امپراتور از این اقدام خفت‌بار این بود که نمی‌خواهم ژاپن تجزیه شود. اما آمریکایی‌ها همین را نقطه ضعیف ژاپنی‌ها دانستند و هشت سال بعد ترتیب کنفرانسی از کشورهای آسیب‌دیده از آن جنگ را دادند تا آنها با ارائه

این نوع مشوق‌ها خیلی زیاتر از ظاهر شکلاتی آن است. این فلسفه، ریشه در «حفظ وجهت» طرف مقابل دارد که به آن، face saving گفته می‌شود. حفظ وجهه و آبروی طرف ضعیف‌تر، از تحقیر (humiliation) آن جلوگیری می‌کند و نمی‌گذارد احساس حقارت باعث عقده شود و چون آتشی زیر خاکستر برود و روزی حتی در آینده‌ای بسیار دور، تظاهر بیرونی پیدا کند. سیاست فشار حداکثری هیئت حاکمه کنونی آمریکا از قماشی است که هم‌زمان سیاست تسلیم است؛ چراکه هیچ نشانی از انعطاف و پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی صرف ندارد. به‌عبارت‌دیگر، فاقد عنصر خوش‌خیم تشویقی و دارای بدخیمی محض تبیهی است، از این‌رو برای طرف ایرانی تا در بر روی این پاشنه می‌چرخد، راهی جز دست رد زدن بر سینه این نوع مذاکره تحمیلی باقی نمی‌ماند که این به معنای تداوم بخشیدن به همین راهی است که تهران در حال حاضر می‌رود و آن، مقابله با تسلیم است. اما آیا این پایان داستان است؟ پاسخ منفی است؛ چراکه به شکست انجامیدن تحریم‌ها هرچند میمون و مبارک است اما می‌تواند آمریکا را بیش‌ازپیش جری کند و آن را در راستای تشدید فشارها روی ایران به سمت جنگ‌افروزی، به‌عنوان حربه آخر (last resort) بکشاند. اینجاست که پای دوگانه مقابله با فشار حداکثری به میان می‌آید؛ به‌گونه‌ای که اگر در قبال سیاست فشار حداکثری ایستادگی حداکثری به خرج دهیم، باید به تحمل

سیاست فشار حداکثری که آمریکای ترامپ به‌منظور کشاندن ایران به میز مذاکره از طریق اعمال پیشینه تحریم‌های اقتصادی و مالی در پیش گرفته، باعث دوگانه عجیبی شده است. در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، به این سیاست که در واقع نوه سیاست معروف به هویج و چماق (carrot and stick) و فرزند سیاست اجبار (coercive policy) است، سیاست تسلیم (capitulation) می‌گویند؛ چراکه این سیاست تا آنجا که به زن «نرم‌تانی» (جزء تشویقی) آن دو (سیاست) مربوط می‌شود، نه از پدربزرگ و نه از پدر هیچ نشانی ندارد. در توضیح این مطلب باید گفت یکی از دو بخش ترکیبی سیاست هویج و چماق و جزء اندکی از سیاست اجبار، مشوق یا به عبارتی شکلات است؛ حال‌آنکه سیاست تسلیم حتی همین اندک مشوق را هم ندارد. در سپهر سیاست وقتی پای مذاکره بین دو کشور که باهم سر سستیز دارند به میان می‌آید، طرفی که زوردارتر و زورمدارتر است، به طرف مقابل بسته تشویقی پیشنهاد می‌کند. مثلاً بسته آمریکایی‌ها در این قبیل مذاکرات، ایجاد تسهیل در دسترسی به نظام بانکی و به‌طورکلی نظام مالی پیشرفته این کشور برای آن طرف است. فلسفه وجودی

غلامرضا نظر بلند

تحلیلگر



حرف اول

بیگانه‌ناهراسی در شاهنامه

مهدی افشار

نبود پاره‌ای کلمات و ترکیبات در زبان فارسی مانند xenophobe و xenophile که در مفهوم بیگانه‌هراسی و بیگانه‌پرستی ترجمه شده و آشکار است که این کلمات لاتین در زبان فارسی معادلی نداشته‌اند؛ بلکه به نوعی گره‌برداری شده‌اند، این واقعیت را بیان می‌کند که ایرانیان دست‌کم تا سده‌های اخیر رویکردی خردورزانه، متعادل و آگاهانه درباره بیگانه داشته‌اند. نبود شناخت دقیق و درست از بیگانه، خواه اروپایی و فرنگی و خواه آسیایی و شرقی، موجب می‌شود که بی‌سبب و بدون درکی درست، درباره آنان کراهت یا تمایل نشان دهیم و به سخن دیگر رویکرد نامتناسب با بیگانه و دست بالا گرفتن و فرودست نگرستن و خطرناک‌دانستن، همه‌وهمه به دلیل ناتوانی در شناخت بیگانه است؛ تاآنجاکه از بیم تأثیرگذاری بر فرهنگ‌ها و آیین‌های‌مان، راه را بر منافع خویش از طریق قطع ارتباطات فرومی‌بندیم. در جای‌جای شاهنامه با بیگانگان به گونه‌ای معقول برخورد می‌شود؛ نه بی‌سبب تافری هست و کراهتی و نه بی‌دلیل تمایلی هست و وجاهتی. بیگانگان براساس منافع و مضار احتمالی‌شان ارزیابی می‌شوند و با آنان به همین شیوه معقول برخورد می‌شود.پیران ویسه چهره بیگانه‌ای است که با وجود آنکه در اردوگاه دشمن‌ترین دشمنان ایران جای دارد، محبوب ایرانیان واقع می‌شود و پیران تقریباً در سراسر حیات افراسیاب در کنارش حاضر است و به او مشاوره می‌دهد و بر تندروی‌ها و یکه‌تازی‌هایش دهنه می‌زند و او را از بسیاری از خطرآفرینی‌ها بازمی‌دارد. پس از آنکه افراسیاب بدون هیچ بهانه‌ای سپاه از جیحون می‌گذراند تا در ایران دست به ویرانی و غارت بزند، سیاوش آزرده و نگران از دسیسه سودابه از پدر می‌خواهد که فرماندهی مقابله با افراسیاب را به او بدهد و کاووس با فرزند برومندش موافقت می‌کند که به نبرد افراسیاب برود و رستم را نیز به دلیل جوانی سیاوش با او همراه می‌کند و چون نبردی درمی‌گیرد، دو سپاه با فرارسیدن غروب دست از جنگ می‌کشند تا روز دیگر روباوری یکدیگر قرار گیرند. نیمه‌شبان کاووسی به سراغ افراسیاب می‌آید که سخت هولناک است.

چو یک پاس بگذشت از نیمه‌شب چنان چون کسی راز گوید به تب خروشی برآمد ز افراسیاب بلرزید بر جای آرام و خواب

ادامه در صفحه ۲

جناب آقای مهندس لطف‌الله میثمی

مصیبت درگذشت همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترمان تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحومه غفران و برای بازماندگان مبر مستلت داریم.

روزنامه شرق

جناب آقای مهندس لطف‌الله میثمی

مصیبت درگذشت همسر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان مبر و اجر آرزومندیم.

سیدمحمود حسینی – مهدی رحمانیان

هوالباقی

با کمال تأسف، مراسم نماز و تشییع همسر لطف‌الله میثمی، مرحومه مریم روحانی، ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۳۰ خرداد در شهرک اکباتان، فاز ۲، مقابل بلوک ۱۵، برگزار و سپس پیکر ایشان برای مراسم تدفین، به محلات برده می‌شود. مراسم ختم، روز جمعه ۳۱ خرداد ساعت ۹ تا ۱۰:۳۰ صبح در مسجد نور میدان فاطمی برگزار خواهد شد.

لطف‌الله میثمی، فرزندان، رودابه و روزبه کمالی، طوعه میثمی و خانواده‌های روحانی، میثمی، کمالی، عبدالصمدی، غنی و اصفهانی

خبر به وقت شرق



به

تلگرام شرق

پیوندید

@sharghdaily